

از بازگشت مستشاران تا شکل‌گیری پلیس جدید

سال ۱۲۹۲ شمسی، دولت ایران برای دومین بار گروهی مستشاران خارجی را این‌بار از سوئد برای اصلاح نظمیه استخدام کرد.



آخرین تحولات نهاد تامین امنیت در ایران

از بازگشت مستشاران تا شکل‌گیری پلیس جدید

سال ۱۲۹۲ شمسی، دولت ایران برای دومین بار گروهی مستشاران خارجی را این‌بار از سوئد برای اصلاح نظمیه استخدام کرد. آنها ضمن این‌که قوانین و مقررات جدیدی برای اداره نظمیه تدوین کردند، برای اولین بار نظمیه را از تهران به دیگر شهرها گسترش دادند، به این ترتیب شهرهای قزوین، رشت، مشهد و تبریز نیز صاحب ادارات نظمیه شدند.

رایزنی‌های اولیه این اقدام در زمستان ۱۲۹۱ جهت سر و سامان دادن به وضع نظمیه انجام شد و گفت‌وگوهای اولیه با ژنرال یالمارسن فرمانده سوئدی ژاندارمری ایران انجام گرفت و با کمک و راهنمایی او در نوبت اول سه کارشناس انتظامی سوئدی که عبارت بودند از: ۱- وستداهل ۲- برگدال ۳- ارفاس به ایران وارد شدند.

اولی به‌عنوان رئیس تشکیلات، دومی به‌عنوان رئیس پلیس تأمینات و ۳- برگدال به‌عنوان رئیس پلیس اونیفرم یعنی سرکلانتر مشغول خدمت شدند.

در این هنگام قاسم‌خان والی (سردار همایون) رئیس کل نظمیه بود. آن گروه از کارکنان شهربانی که نمی‌خواستند به اصطلاح فرمانبردار مستشاران سوئدی باشند و طبعاً میل داشتند اداره امور نظمیه با خود آنان باشد، شهربانی را ترک کردند و سردار همایون نیز از سمت خودش استعفا کرد.

۱۷۱# و وستداهل و همکاران سوئدی‌اش ۱۷۱# برگدال و ۱۷۱# ارفاس سه ماه در تهران سرگرم مطالعه بودند و پس از سه ماه در نظمیه حضور یافتند و آن را از سردار همایون تحویل گرفتند، وستداهل دو نفر مترجم به نام رادسر و مدیرالملک برگزید.

در ابتدای دوره سلطنت محمدرضا پهلوی، با فروپاشی هیولای استبداد، و رفع دلهره مردم از تشکیلات مخوف نظمیه رضاشاهی، تا اندازه‌ای سلطه شاه بر این تشکیلات کم شد ولی مدتی بعد از آن و با محکم شدن پایه‌های قدرت شاه جدید، هدایت تشکیلات شهربانی دوباره در اختیار دربار قرار گرفت و این خود یکی از اختلافات دولت مردمی دکتر محمد مصدق با دربار بود.

مصدق که به آزادی مردم به عنوان استراتژی - و نه یک تاکتیک - معتقد بود، از این‌که می‌دید ماموران شهربانی با خشونت با تظاهرات و اعتراضات مردم برخورد می‌کنند، برآشفته و تقاضای در اختیار گرفتن وزارت جنگ را به شاه داد.

قبول نکردن تقاضای مصدق به استعفای نخست وزیر و به دنبال آن قیام مردمی سی ام تیر ۱۳۳۱ منجر و در نهایت شاه مجبور شد وزارت جنگ را به مصدق بسپارد اما از آنجا که نیروهای نظامی کشور از گذشته در ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با دربار بودند در مدتی که مصدق اداره این وزارت را به عهده داشت به ظاهر از او، و در واقع از دستورات دربار و شخص شاه تبعیت می‌کردند.

پس از سرنگونی دولت مصدق با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، تشکیلات انتظامی کشور به طور مطلق در اختیار شخص شاه و در تبعیت کامل از او قرار گرفت، تا حدی که حتی سپهبد مبصر که از مهره‌های نزدیک و مورد اعتماد شاه بود به علت مقابله با اعمال خلاف عفتی که در محلی به نام کی کلاب - که متعلق به اشرف پهلوی بود - انجام می‌شد، از ریاست شهربانی کل کشور عزل شد.

پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، کمیته‌های انقلاب تشکیل و در کنار شهربانی و ژاندارمری، آغاز به کار کرد اما موازی‌کاری این نهادها در نهایت مسئولان را بر آن داشت تا سه سازمان مذکور را با یکدیگر ادغام کنند.

حاصل این ادغام نهادی جدید با عنوان نیروی انتظامی بود که اکنون با نام اختصاری ۱۷۱# ناجا معروف پلیس ایران است. این

اتفاق در حالی رخ داد که پلیس ایران برای مدت‌های طولانی از دو قسمت مهم پلیس شهری و ژاندارمری (مرزی و روستایی) تشکیل شده بوده، کميته نیز به‌عنوان یکی از ارکان مهم حفظ نظم و امنيت داخلی و دفاع از ارزش‌های داخلی کشور بعد از پیروزی انقلاب به این مجموعه افزوده شد.

کثرت نیروهای پلیس در بعد از انقلاب و ضرورت ادغام این نیروها باعث شد تا در سال 1370 با تصمim مجلس شورای اسلامی این سه نیرو در یکدیگر ادغام و سیستم پلیس واحد به وجود آید. براساس قانون جدید، پلیس ایران جزئی از ستاد نیروهای مسلح و وابسته به وزارت کشور و در تبعیت از رهبری معظم انقلاب قرار گرفت.

پلیس جدید ایران در سه بخش تقریباً مستقل فرماندهی، حفاظت و اطلاعات و سازمان عقیدتی سیاسی تشکیل شده است.

حوزه فرماندهی و حفاظت و اطلاعات تقریباً در ساختار سیستم پلیس تمامی کشورهای جهان مشترك است، اما وجود سازمان عقیدتی سیاسی از ویژگی‌های سیستم پلیس ایران محسوب می‌شود، این سازمان موظف است تا در بعد اعتقادی، سیاسی نسبت به حفظ دستاوردهای انقلاب و ایجاد روحیه دینداری و اخلاق متناسب با تعالیم دین اسلام که حفظ حرمت انسان‌ها از جمله اصول اساسی است، اقدام کند.